

بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ

قانونیاری آئین دادرسی مدنی

مؤلف: صابر خلیل نژاد کیاسری

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان قراردادی
- عنوان و نام پدیدآور

- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- یادداشت
- یادداشت
- یادداشت

● عنوان روی جلد

- موضوع
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی



● نام کتاب

- ناشر
- مؤلف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

خلیل نژاد کیاسری، صابر، ۱۳۶۸-
ایران. قوانین و احکام
قانون یار آیین دادرسی مدنی/مؤلف صابر خلیل نژاد کیاسری؛
به سفارش موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
۷۲۲ ص.
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱

چاپ دوازدهم.
چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۳ (۵۹۶ ص.).
عنوان روی جلد: قانون یار آیین دادرسی مدنی: ارائه
مواد قانونی و نکات مهم مربوطه، تست‌های برگزیده
از آزمون‌های حقوقی تا سال ۹۲، ...
قانون یار آیین دادرسی مدنی: ارائه مواد قانونی و نکات
مهم مربوطه، تست‌های برگزیده از آزمون‌های حقوقی
تا سال ۹۲، ...

آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
آیین دادرسی مدنی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
۱۳۹۴ ق ۸/خ/۱۷۱۰ KMH
۳۴۷/۵۵
۳۸۶۴۰۸۷

قانون یار آیین دادرسی مدنی - به سفارش موسسه آموزش
عالی آزاد چتر دانش
چتر دانش
صابر خلیل نژاد کیاسری
سی و ششم - ۱۴۰۱
۲۰۰۰
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱
۳۹۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



فهرست

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ ۹

کلیات ۹

باب اول: در صلاحیت دادگاهها ۲۱

فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها ۲۱

فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن ۵۰

باب دوم: وکالت در دعاوی ۶۰

باب سوم: دادرسی نخستین ۸۱

فصل اول: دادخواست ۸۱

مبحث اول: تقدیم دادخواست ۸۱

مبحث دوم: شرایط دادخواست ۸۳

مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست ۸۷

مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست ۹۶

فصل دوم: بهای خواسته ۹۸

فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی ۱۰۸

مبحث اول: جریان دادخواست ۱۰۸

مبحث دوم: ابلاغ ۱۱۲

مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی ۱۳۳

فصل چهارم: جلسه دادرسی ۱۵۹

فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست ۱۸۰

فصل ششم: امور اتفاقی ۱۹۴

مبحث اول: تأمین خواسته ۱۹۴

۱- درخواست تأمین ۱۹۴

۲- اقسام تأمین ۲۱۷

مبحث دوم: ورود شخص ثالث ۲۲۶

مبحث سوم: جلب شخص ثالث ۲۳۳

مبحث چهارم: دعاوی متقابل ۲۳۹

مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی ۲۴۸

۲۵۲	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه
۲۵۳	مبحث اول: تأمین دلیل
۲۵۷	مبحث دوم: اظهارنامه
۲۵۹	فصل هشتم: دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
۲۸۲	فصل نهم: سازش و درخواست آن
۲۸۲	مبحث اول: سازش
۲۹۰	مبحث دوم: درخواست سازش
۲۹۳	فصل دهم: رسیدگی به دلایل
۲۹۳	مبحث اول: کلیات
۲۹۹	مبحث دوم: اقرار
۳۰۵	مبحث سوم: اسناد
۳۰۵	الف- مواد عمومی
۳۱۴	ب- انکار و تردید
۳۱۸	ج- ادعای جعلیت
۳۲۵	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند
۳۳۴	مبحث چهارم: گواهی
۳۴۶	مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی
۳۵۴	مبحث ششم: رجوع به کارشناس
۳۶۸	مبحث هفتم: سوگند
۳۸۲	مبحث هشتم: نیابت قضایی
۳۸۵	فصل یازدهم: رأی
۳۸۵	مبحث اول: صدور و انشای رأی
۳۹۴	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۳۹۵	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۳۹۹	مبحث چهارم: واخواهی
۴۰۸	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۴۱۰	مبحث ششم: دادرسی فوری

باب چهارم: تجدیدنظر ۴۳۳

۴۳۳	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۴۳۳	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر
۴۴۴	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر
۴۴۷	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۴۵۷	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر

باب پنجم: فرجام خواهی ۴۷۵

۴۷۵	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۴۷۵	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۴۸۲	مبحث دوم: موارد نقض
۴۸۷	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۴۹۶	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۴۹۹	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۵۰۲	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۵۱۳	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۵۱۴	فصل دوم: اعتراض شخص ثالث
۵۳۲	فصل سوم: اعاده دادرسی
۵۳۲	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۵۳۸	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۵۴۲	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی

باب ششم: مواعد ۵۵۴

۵۵۴	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۵۵۸	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد

باب هفتم: داوری ۵۶۰

باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار ۵۹۹

۵۹۹	فصل اول: هزینه دادرسی
۶۰۱	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی

باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد ۶۱۰

۶۱۰	فصل اول: کلیات.....
۶۱۲	فصل دوم: خسارات.....
۶۱۳	فصل سوم: مستثنیات دین.....
۶۱۶	سایر مقررات.....

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ۶۱۷

۶۱۷	فصل اول: قواعد عمومی.....
۶۱۷	مبحث اول: مقدمات اجرا.....
۶۲۳	مبحث دوم: دادورزها (مأمورین اجرا).....
۶۲۴	مبحث سوم: ترتیب اجرا.....
۶۳۳	فصل دوم: توقیف اموال.....
۶۳۳	مبحث اول: مقررات عمومی.....
۶۳۶	مبحث دوم: در توقیف اموال منقول.....
۶۴۱	مبحث سوم: صورت برداری از اموال منقول.....
۶۴۲	مبحث چهارم: ارزیابی اموال منقول.....
۶۴۳	مبحث پنجم: حفظ اموال منقول توقیف شده.....
۶۴۵	مبحث ششم: توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است.....
۶۴۷	مبحث هفتم: توقیف حقوق مستخدمین.....
۶۴۷	مبحث هشتم: توقیف اموال غیرمنقول.....
۶۵۰	مبحث نهم: صورت برداری اموال غیرمنقول.....
۶۵۱	مبحث دهم: ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول.....
۶۵۱	فصل سوم: فروش اموال توقیف شده.....
۶۵۱	مبحث اول: فروش اموال منقول.....
۶۵۵	مبحث دوم: فروش اموال غیرمنقول.....
۶۵۶	فصل پنجم: اعتراض شخص ثالث.....
۶۵۸	فصل ششم: حق تقدم.....
۶۵۹	فصل هفتم: تأدیه طلب.....

۶۶۰ فصل هشتم: هزینه‌های اجرایی

۶۶۲ فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی

۶۶۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴

۶۷۸ آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۵

۶۸۵ بخشنامه یکنواخت‌سازی اخذ هزینه دادرسی مصوب ۱۳۹۶

۶۸۷ سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹

۶۹۱ پاسخنامه سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹

۶۹۴ سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۰

۶۹۸ پاسخنامه سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۰

۶۹۹ سوالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۰

۷۰۴ پاسخنامه سوالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۰

۷۰۵ سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۰

۷۱۱ پاسخنامه سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۰

۷۱۲ سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۱

۷۱۶ پاسخنامه سوالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۱

۷۱۷ سوالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۱

۷۲۲ پاسخنامه سوالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۱

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی

مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

کلیات

ماده ۱- آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

نکته ۱: قواعد آیین دادرسی مدنی کلیت دارد و هر جا (مانند دادرسی اداری و امور حسبی) قواعد خاص نباشد، از آن استفاده می‌شود.

نکته ۲: آیین دادرسی مدنی نه تنها در دعاوی حقوقی، بلکه در طرح، دفاع و رسیدگی به جنبه حقوقی امور کیفری نیز علی‌الاصول، باید رعایت شود. در این رابطه استثنائاتی نیز وجود دارد مانند: محکومیت به پرداخت دیه در حق ولی دم، که به هر حال جنبه مدنی دارد و در جرایمی مانند سرقت (ماده ۶۶۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵) تصرف عدوانی (۶۹۰ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵) و... دادگاه ضمن صدور حکم باید در هر حال نسبت به استرداد اموال ناشی از جرم نیز رسیدگی و حکم صادر کند. متضرر از جرم نیازی به تقدیم دادخواست در پرونده کیفری ندارد.

نکته ۳: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، جز در موارد مذکور در فوق، با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

نکته ۴: رسیدگی به دعاوی بازرگانی نیز در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و در شمول قانون آیین دادرسی مدنی قرار دارد.

نکته ۵: رسیدگی به امور حسبی: باتوجه به مقررات خاص خود می‌باشد (قانون امور حسبی) مگر در موارد سکوت که به قانون آیین دادرسی مدنی به‌عنوان قانون عام رجوع می‌شود و همچنین در صورتی که بین قانون آیین دادرسی مدنی با قانون امور حسبی تعارض وجود داشته باشد، قانون آیین دادرسی در آن موضوع به‌عنوان آخرین اراده قانونگذار محل اجرا خواهد بود.

✍

۱- رسیدگی به دعاوی بازرگانی، در حال حاضر، در دادگاه‌های برابر به عمل می‌آید. جز در مواردی که ترتیب فاصی تعیین شده باشد.

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

الف) تجاری - قانون تجارت
ب) عمومی - قانون تجارت

ج) تجاری - قانون آیین دادرسی مدنی
د) عمومی - قانون آیین دادرسی مدنی

۲- مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، «آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به توسط مراجع قضایی به کار گرفته می‌شود.»

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۵)

الف) امور حسبی ب) دعاوی مدنی ج) دعاوی بازرگانی د) همه موارد فوق

۳- در مقررات فعلی ایران، ایراد مرور زمان به استناد قانون آیین دادرسی مدنی شنیده و به استناد قانون تجارت شنیده

(ارشد سراسری ۱۳۸۹)

الف) نمی‌شود - نمی‌شود. ب) می‌شود - نمی‌شود.

ج) نمی‌شود - می‌شود. د) می‌شود - می‌شود.

۴- مرجع رسیدگی به دعاوی تجاری، دادگاه‌های است و آیین رسیدگی به آن‌ها، علی‌القاعده، برابر قانون انجام می‌شود.

(ارشد سراسری ۱۳۹۳)

الف) تجاری - آیین دادرسی تجاری ب) عمومی - آیین دادرسی تجاری

ج) تجاری - آیین دادرسی مدنی د) عمومی - آیین دادرسی مدنی

پاسخنامه

۱ د ۲ د ۳ ج ۴ د

ماده ۲ - هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

نکته ۱: رسیدگی در دادگاه‌ها منوط به درخواست ذی‌نفع یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی یا وکیل است و رسیدگی برابر قانون خواهد بود.

نکته ۲: ذی‌نفع بودن مدعی بدین معنا است، که در صورت حاکم شدن در دعوا برای او سودی اعم از مادی یا معنوی وجود داشته باشد.

نکته ۳: وجود نفع برای خواهان، توجیه‌کننده اقامه دعوا است.

نکته ۴: در صورتی که خواهان در دعوی مطروحه ذی نفع نباشد، دادگاه قرار رد دعوا را صادر می‌کند.

نکته ۵: ذی‌نفع بودن با ذی‌حق بودن تفاوت دارد. شخص ذی‌حق، ذی‌نفع شمرده می‌شود اما هر ذی‌نفعی، ذی‌حق شمرده نمی‌شود ← در صورت ذی‌حق نبودن خواهان، معمولاً حکم به بی‌حقی

صادر می‌شود.

نکته ۶: نفع دارای ویژگی‌هایی است که در صورت احراز آن دادگاه می‌تواند، با وجود سایر شرایط،

وارد ماهیت دعوا شود: ۱- نفع باید حقوقی و مشروع باشد (مورد حمایت قانونگذار باشد).

۲- نفع باید به وجود آمده و باقی باشد (بنابراین نفعی که برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلّق به وقوع امری باشد، خواهان را ذی‌نفع نمی‌کند).

← در این مورد یک استثنا وجود دارد ← این استثنا ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که صدور قرار تأمین خواسته نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده، تحت شرایطی پذیرفته می‌شود.

۳- نفع باید شخصی و مستقیم باشد (که در صورت احراز، حق اصلی مورد ادعا، نصیب او شود).

نکته ۷: هرگاه شخصی به‌عنوان نماینده در دادگاه اقدام می‌نماید از یک سو دادگاه باید به دلیل نمایندگی وی توجه کند و از سوی دیگر نمایندگی را اگر محرز تشخیص داد، از انواعی باشد که قانون برای اقامه دعوا تجویز نموده است.

نکته ۸: کسی که به‌عنوان نماینده اقدام می‌کند، (از قبیل وکالت، ولایت یا قیمومت) در صورتی که سمت وی محرز نباشد ← دادگاه قرار رد دعوی را صادر می‌کند.

نکته ۹: هرگاه شخص حقیقی به نمایندگی از جانب شخص حقوقی طرح دعوی نماید و سمت او محرز نباشد و دفتر بدون توجه به نقض دادخواست، وقت دادرسی تعیین نماید و دادگاه در جلسه دادرسی با این ایراد روبه‌رو شود ← دادگاه قرار رد دعوا را به‌علت عدم احراز سمت صادر خواهد کرد.

نکته ۱۰: برای اقامه دعوا ۳ شرط لازم است: ۱- ذی‌نفع بودن مدعی ۲- محرز بودن سمت از حیث اصالت یا نمایندگی ۳- داشتن اهلیت (البته شرایط دیگر مانند اقامه دعوا در موعد قانونی و عدم اعتبار امر قضاوت شده در آن دعوا نیز وجود دارند).

نکته ۱۱: منجّر بودن حق از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه، از شرایط پیروزی در دعوا می‌باشد (البته برخی این شرط را از شرایط اقامه دعوا می‌دانند).

نکته ۱۲: برخی معتقدند که تقدیم دادخواست از جمله شرایط اقامه دعواست (دکتر سید جلال‌الدین مدنی) اما دکتر شمس معتقد است، تقدیم دادخواست از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم وجود شرایط اقامه دعوا است.

نکته ۱۳: در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود خواهان، درخواست نموده باشد و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل) مفهوم سمت در ذی‌نفع بودن مستغرق می‌باشد به نحوی که با احراز ذی‌نفعی نیازی به احراز سمت نیست.

نکته ۱۴: تکلیف دادگاه در رسیدگی به وجود یا عدم وجود سمت، زمانی به وجود می‌آید که درخواست را شخص حقیقی اصیل، مطرح نکرده باشد.



۱- دادگاه در صورتی به دعوای مقوقی رسیدگی می‌نماید که:

- (الف) ذی‌حق، دادخواست تنظیم نموده باشد. (ب) به وجود حق، علم داشته باشد.
 (ج) حق مستند به سند رسمی باشد. (د) حق مستند به دلایل مصرح در قانون باشد.

۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند:

- (الف) مگر اینکه خواهان یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به دعوا را با رعایت قانون خواسته باشد.
 (ب) مگر اینکه، خواهان یا فردی ذی‌سمت از سوی او با رعایت موازین مقررات جاری، اقامه دعوا نموده باشد.
 (ج) مگر اینکه، شخص یا اشخاصی ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشند.
 (د) مگر اینکه، شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی یا ذی‌سمت قانونی، از سوی آنان با رعایت کلیه موازین و مقررات جاری دادخواست کامل داده باشند.

۳- نمایندگی پدر از فرزند صغیر، نمایندگی و نمایندگی امین عاجز از او، نمایندگی

(ارشد سراسری ۱۳۸۳)

..... است.

- (الف) قضایی - قانونی (ب) قضایی - انتخابی (ج) قانونی - قضایی (د) قانونی - انتخابی

پاسخنامه

- ۱ الف ۲ ج ۳ ج

ماده ۳- قضات دادگاه‌ها موظفاند موافق قوانین به دعوای رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی‌که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه، وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الاً مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.
تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

نکته ۱: قضات دادگاه‌ها موظف‌اند، طبق قانون و با رعایت تشریفات قانونی به دعوای رسیدگی کنند،

تخلف از این مورد، موجب فسخ یا نقض رأی در مراجع عالی خواهد بود.

نکته ۲: اگر دادگاه دعوای مطروحه را قطع و فصل نکند، حکم صادره برخلاف ماده ۳ ق.آ.د.م بوده

و نقض خواهد شد.

نکته ۳: برای اینکه قاضی بتواند به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی مراجعه

کند، یکی از شرایط زیر لازم است: ۱- قانون کامل نباشد. ۲- قانون موضوعه، صریح نباشد.

۳- در خصوص موضوع، دو قانون متعارض وجود داشته باشد. ۴- در قضیه مطروحه اصلاً قانونی

وجود نداشته باشد.

نکته ۴: مجازات قاضی مستنکف از احقاق حق ← برای بار اول شش ماه تا یک سال انفصال و

در صورت تکرار انفصال دائم از شغل قضایی است. (م. ۵۹۷ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات))

نکته ۵: چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند با صدور قرار امتناع از رسیدگی

پرونده را به شعب دیگری ارجاع می‌دهد (در این مورد مجازات مقرر (ماده ۵۹۷ ق. م. ا. مصوب

۱۳۷۵ بخش تعزیرات) در مورد وی اجرا نخواهد شد. زیرا در این مورد مستنکف شناخته نمی‌شود.

نکته ۶: موارد ردّ دادرسی که در ماده ۹۱ ق. آ. د. م. ذکر شده است، استثناء بر تکلیف دادرسی برای

رسیدگی به دعوا است.



۱- قانونی بودن دادرسی یعنی:

(رکترای اعزامی به قارج ۱۳۷۶)

(الف) صلاحیت محاکم را قانون تعیین می‌کند و قاضی باید طبق قانون حکم صادر کند.

(ب) صلاحیت محاکم را رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند و قاضی می‌تواند با توجه به منابع فقهی حکم صادر کند.

(ج) صلاحیت محاکم را فقیه جامع‌الشرایط تعیین می‌کند و قاضی باید براساس نظر او، حکم صادر کند.

(د) قاضی محاکم براساس متون فقهی و منابع معتبر و فتاوی مشهور باید حکم صادر کند.

۲- قضات دادگاه در وهله اول موظفند موافق به دعوی رسیدگی کنند. (فتاوت ۱۳۸۰)

(الف) قوانین (ب) منابع معتبر فقهی

(ج) فتاوی معتبر (د) رویه قضایی

۳- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بیابد:

(ارشر آزار ۱۳۸۰، فتاوت ۱۳۸۰)

(الف) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.

(ب) پرونده به شعبه دیگری، جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

(ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قابل تجدیدنظر است.

(د) پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد تا، حل اختلاف کند.

۴- هرگاه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، باید:

(ارشر سراسری ۱۳۸۲)

(الف) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

(ب) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید.

(ج) براساس نظر اجتهادی خود اقدام به صدور رأی نماید اما این رأی، قابل نقض می‌باشد.

(د) براساس نظر اجتهادی خود اقدام به صدور رأی نماید و این رأی فقط نزد مجتهد جامع‌الشرایط قابل

شکایت است.

۵- اگر در ارتباط با دعوا مطروحه حکم قانونی موهود نباشد، قاضی رسیدگی‌کننده چه تکلیفی

(وکالت ۱۳۸۴)

دارد؟

(الف) از نظر قانونی تکلیفی ندارد و می‌تواند دعوا را رد کند.

(ب) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف، حکم قضیه را صادر نماید.

- ج) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی، حکم قضیه را صادر نماید.
 د) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم، حکم قضیه را صادر نماید.
۶- پنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند:
 الف) پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می نماید تا حل اختلاف شود.
 ب) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر کند و رأی قابل تجدیدنظر است.
 ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.
 د) پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
۷- پنانچه در قضیه مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، وظیفه قاضی چیست؟ (وکالت ۱۳۸۷)
 الف) باید حکم به رد دعوی صادر نماید.
 ب) باید با مصالحه فصل خصومت کند.
 ج) باید به داوری ارجاع دهد.
 د) باید به استناد منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم مقتضی صادر کند.
۸- پنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون ماکم بر دعوا را فلاف شرع بداند، کدام مورد صمیم است؟ (وکالت ۱۳۹۷)

- الف) باید از رسیدگی امتناع کند حتی اگر دعوی مطروحه راجع به اصل نکاح و یا طلاق باشد.
 ب) می تواند از رسیدگی امتناع کند و نوع دعوا تاثیری ندارد.
 ج) فقط در دعاوی غیر مالی می تواند از رسیدگی امتناع کند.
 د) باید از رسیدگی امتناع کند، مگر دعوی مطروحه راجع به اصل نکاح و یا طلاق باشد.

پاسخنامه

الف ۱ الف ۲ الف ۳ ب ۴ ب ۵ ج ۶ د ۷ د

۸ ب هر چند مطابق با صدر ماده ۳ از آیین دادرسی مدنی قضات دادگاهها مکلف اند مطابق قانون به دعاوی رسیدگی نمایند و تمامی قوانین از لحاظ شرعی بودن در شورای نگهبان بررسی می گردد و نظر این شورا فصل الخطاب است و تمامی ایرانیان و افراد مقیم کشور تابع این قوانین شرعی هستند؛ لیکن بنابر تبصره همان ماده و بر اساس یک اصل شرعی که قاضی مجتهد را نمی توان به قبول آراء مخالف نظر خود اجبار و تسلیم نمود، قضات دادگاه ها چنانچه مجتهد باشند و قانون را خلاف شرع بدانند، می توانند از رسیدگی امتناع نمایند و پرونده را به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

ماده ۴- دادگاهها مکلف اند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.

نکته ۱: در صورتی که حکم دعوا به صورت عام صادر شده باشد، در مراجع بالاتر قضایی فسخ خواهد شد.

نکته ۲: منظور از تعیین تکلیف به طور خاص عبارت است از صدور حکم صرفاً برای همان پرونده

و در واقع قضات نمی‌توانند برای سایر پرونده‌ها تعیین تکلیف نمایند. صدور حکم به طور عام از ویژگی‌های قانون است.



۱- دادگاه‌ها مکلف‌اند:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۱، قضاوت ۱۳۷۹)

- الف) در مورد هر دعوا به دلایل طرفین رسیدگی نموده و به صورت کلی مبادرت به صدور حکم نمایند.
 ب) به دعوا مطروحه با توجه به مندرجات دادخواست رسیدگی نموده و به صورت عام حکم صادر نمایند.
 ج) به دعوای مطروحه با توجه به نتیجه رسیدگی به دلایل متداعیین رأی پرونده را صادر نمایند.
 د) در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند.

۲- دادگاه‌ها در امور مدنی موظفند:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۵)

- الف) در دعوای مطروحه با احراز واقع رأی مقتضی صادر و تعیین تکلیف قانونی نمایند.
 ب) با توجه به خواسته دعوا رسیدگی و با صدور رأی تعیین تکلیف نمایند.
 ج) در مورد هر دعوا به طور خاص، تعیین تکلیف قانونی نمایند.
 د) در خصوص دعوای مطروحه با احراز واقع و اعلام ختم رسیدگی، رأی قانونی صادر نمایند.

پاسخنامه

۱ د ۲ ج

ماده ۵- آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

نکته ۱: اصل بر این است که آرای صادره از دادگاه بدوی قطعی می‌باشد مگر، در موارد منصوص در قانون که قابلیت نقض و تجدیدنظر آراء پیش بینی شده است.

نکته ۲: حکمی که قطعی نشده باشد، قابلیت اجرا ندارد مگر در ۲ مورد که استثناء شده است:
 الف- حکم ورشکستگی

ب- دعوای تصرف

نکته ۳: حکمی که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی وی ابلاغ نشده و حکمی که موضوع آن معین نباشد، قابل اجرا نیست.

نکته ۴: آرای دادگاه‌ها اعم از حکم یا قرار است، خواه در امور مربوط به دعوای (حقوقی یا کیفری) صادر شده باشد و خواه در امور حسبی.

نکته ۵: به موجب این ماده ← رسیدگی به هر دعوایی یک مرحله‌ای بوده و رسیدگی دو مرحله‌ای خلاف اصل محسوب می‌شود و نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

.....

.....

۱- کدام مورد، در مفروض قطعیت آرای دادگاه‌ها صمیم است؟ (تقاضات ۱۳۹۳)

- (الف) اصل بر قطعیت قرارها است برخلاف احکام. (ب) اصل بر قطعیت احکام است برخلاف قرارها.
(ج) اصل بر عدم قطعیت است. (د) اصل بر قطعیت است.

پاسخنامه

۱ د

ماده ۶- عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

نکته ۱: دادگاه در موارد زیر نباید به عقد یا قرارداد ترتیب اثر دهد:

- ۱- در صورتی که مخالف اخلاق حسنه باشد.
- ۲- در صورتی که مخالف نظم عمومی باشد.
- ۳- در صورتی که مخالف صریح قانون باشد.

نکته ۲: رأیی که براساس قراردادی که برخلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا مخالف قانون بوده صادر شود، قابلیت فسخ و نقض در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور را دارد. (از جهات فسخ و نقض می‌باشد)

.....

.....

۱- عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی است در قابل ترتیب اثر نیست.

(تقاضات ۱۳۸۰)

- (الف) دفتر کل (ب) دادگاه (ج) مرجع داور (د) مورد طرفین

پاسخنامه

۱ ب

ماده ۷- به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود، تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

نکته ۱: اصل بر این است که به هیچ دعوایی نمی‌توان در مراحل بالاتر بدون اینکه در مرحله بدوی